

مقایسه وضعیت زیستی، روانی و اجتماعی کودکان مبتلا به سندرم داون (تریزومی ۲۱) با کودکان عادی در شهر تهران

استاد راهنما: دکتر غلامعلی افروز

استادان مشاور: دکتر احمد به پڑوه و دکتر حیدرعلی هومن

پژوهشگر: قاسم نوروزی / رشته کودکان استثنایی (عقب ماندگی ذهنی)

دانشکده علوم تربیتی: سال ۱۳۷۲

در این پژوهش ارتباط میان متغیرهای سن مادر، سن پدر، سن مادر بزرگ کودک، تمایل والدین به داشتن فرزند، اندازه خانواده و تحصیلات والدین کودک با فراوانی تولد کودکان مبتلا به سندرم داون در مقایسه با کودکان عادی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه متفاوت بوده، لذا به منظور پاسخ دادن به این پرسش که آیا میان سن مادر، سن پدر، سن مادر بزرگ کودک، تمایل والدین به داشتن فرزند، اندازه خانواده و تحصیلات والدین کودکان با فراوانی تولد کودکان مبتلا به سندرم داون در مقایسه با کودکان عادی ارتباطی وجود دارد، گروه نمونه‌ای (با حجم ۱۵۰ نفر) از کودکان دختر و پسر ۷ تا ۱۳ ساله مبتلا به سندرم داون که در آموزشگاههای استثنایی در تهران به طور روزانه مشغول به تحصیل هستند، به گونه تصادفی انتخاب و با گروه نمونه‌ای (با حجم ۱۵۰ نفر) از کودکان دختر و پسر عادی که به صورت تصادفی انتخاب و بر حسب سن، جنسیت و ترتیب تولد کودک، رابطه خویشاوندی و شغل والدین هماهنگ شده‌اند، مورد مقایسه قرار گرفت.

در این پژوهش به منظور محاسبه تفاوت و ارتباط هر یک از متغیرهای مورد نظر با فراوانی تولد کودکان مبتلا به سندرم داون در مقایسه با کودکان عادی از روش آماری آزمون همگونی مجذورکای استفاده گردیده است و نتایج این پژوهش نشان داد که بین سن مادر و پدر و فراوانی تولد کودکان مبتلا به سندرم داون در مقایسه با کودکان عادی ارتباط معنی داری وجود دارد. بین سن مادر بزرگ کودک و فراوانی تولد کودکان مبتلا به سندرم داون در مقایسه با کودکان عادی هر چند اندکی تفاوت مشاهده گردید، ولی این تفاوت از لحاظ آماری معنی دار نیست. بین تمایل والدین به داشتن فرزند و فراوانی تولد کودکان مبتلا به سندرم داون در مقایسه با کودکان عادی ارتباط معنی داری وجود دارد. میان اندازه خانواده، تحصیلات پدر و مادر با فراوانی تولد کودکان مبتلا به سندرم داون، در مقایسه با کودکان عادی تفاوت از لحاظ آماری معنی دار نیست.